

بسیار بعیدی کوه پراز برف ، موات اموات ، آبریند شمالی در مقابل چشم برق میزند ،
 افق وسیع و نیلگون با موقعیت این سامان خیالات عجیبی را برای شخص تولید می گردانند ،
 خلاصه ما در فضای مابعد از رحمت بسیار سوار کشتی شده به تحقیقات و مسافرت خودها
 خالمه دادیم .

خوف وراثتی و اکتسابی

ترجمهٔ محترم عبدا لفرخان معلم

علماء راجع بشعور خوف اقوال جدا گانه اظهار و در باره اینسکه آیا این شعور ،
 اکتسابی است یا وراثتی ، آرای مختلفی بمیان آورده اند ، در بیشترها رتئون پرو فیسر
 یولیور سق کولومبیا و دکتور مای استاد علم النفس در دار الفنون با بیل بیک رشته
 مباحث و تحقیقات وسیع و طولانی قیام و زبید ، و بذریعهٔ آن راجع به منشاء این شعور
 بتدقیقات و تتبعات مخصوصی نموده اند . این دو نفر دانشمند اوضاع بیشتر از ده هزار
 متعلم و متعلمه را که سنین عمرشان از شانزده سال متجاوز نبود ، زیر تدقیق و مطالعه خویش
 قرار دادند ، و در نتیجه تحقیقات و مطالعات مذکور بر ایشان ثابت گردید که صفات انسان
 در خانه و مکتب و معبد و محلات نفریحی و سایر مواقع متنوعه اجتماعی زبر کیف مخصوصی
 آمده و عامل اول - یعنی خانه - از مؤثرات متعدد جمیع عوامل سائره قویتر میباشد .

عامل حیات خانگی بر سه رکن آبی الذکر پایدار است :

- ۱ - علاقه ما بین ز و جن
- ۲ - علاقه ما بین برادران و خواهر آن
- ۳ - علاقه ما بین آباء و اولاد.

اکنون باید تاثیر این سه رکن جدا گانه را در بن شعور که تا اندازه زیادی اساس لاکائی و یا موفقیت انسان را در میدان حیات تشکیل میدهد؛ اعنی شعور خوف یا عکس آن که عبارت از شعور اعتماد بر نفس باشد، مطالعه و تدقیق بنمائیم.

در اینجا مقصود از خوف تنفر از مواجه گردیدن با چیزی یا امر معینی در میدان حیات نیست بلکه غرض ازان حس عمومی است که شخص را از اقدام باز داشته مانع و عائق عزیمت او میگردد و در وجودش هر اس از هر چیزی را چنان تولید میکند که گویا قوای وجودش خیالت و رزی اختیار نموده سبب تقهقر میگردد و در برابر هر گونه تدابیر و تجاربز به رجعت و از پشیمانی او را وادار می سازد.

در نتیجه مطالعه و تدقیق روحیات انسانی آشکار میگردد که صفات و اخلاقتش از زمان کودکی یعنی همان وقتی که هنوز در بین فامیل و آغوش والدین خود است کیف مخصوصی بخود گرفته شعور خوف را بطرق مختلفه لاند و لاندی اکتساب می نماید.

برای شرح این مدعا در اینجا باید گفت که بسیاری از اطفال با اعتقادات بی اصل که بر واقع و نفس الامر مستند نیست بز رگ میشوند. زیرا که ایشان این اعتقادات را از والدین خود اکتساب نموده اند. مثلاً جمعی متعقد است که بمرض معلومی گرفتار است برخی هم مسائل بی اساس دیگری را که هیچ فائده ازان مترتب و منظور نیست بدماغ خود جاداده و به الکار و اظهار بطلان آن تصدیق نمیگردد. چه از آوان خوردی و کودکی تا با بندم بآن تمسک ورزیده است.

ازین رو به تو جیه هیچ کدام اشتباهی بآن جرأت نمی نماید .

خوف بر سه نوع است . . .

اول بیولوژی و آن خوفی است که انسان را بفرار و دوری جستن از خطرات طبیعی و اداری نماید .

دوم عقلی و آن خوفی است که از خواندن و تعلیم نشأت می نماید . چون خوف انسان از امراض و میکروبهاست .

سوم با تئولوژی . و آن خوفی است که از فکر خطائی چون خوف عدم موفقیت در بکارها و امورات و وهم لاکام ماندن در امتحان و امثال آن پیدا میشود .

نوع سوم خوف در وجود شخص از سه منبع مختلف اعنی والدین یا برادران و خواهران یا خود ارتقین میشود و در فیه تدوین و نه حال ؛ انسان نوع سومین خوف را اساس می نماید . چه باید رویا مادر یا برادرانش عنان غریمت او را مست نموده و اعتقاد به نفسی را که دارای آن بود از وی زائل نموده اند .

بعضی چنین اظهار می نمایند که خوف ازدزد و حیوان و برق (الهاسک) و امثال آن خوف طبیعی یعنی از نوع اول است . لکن این سخن سراسر خطا و بی اساس میباشد . چه در نتیجه تطبیق مطالعات و آنکه علمای علم النفس بآن قیام ورزیده اند به ثبوت رسیده است که اینچنین خوف طبیعی نبوده اکتسابی میباشد در حقیقت تنها در چیز است که منشأ خوف طبیعی را تشکیل می نماید . بگویم صوت ناگهانی هولناک ، دیگرش احساس شرف آوردن بر سقوط . غیر از دو سبب مذکور خوف طبیعی هیچ یک وسیله و اسباب دیگری ندارد . دلیلی که برین ادعا اقامه کرده میشد ؛ همین است که اگر شما طفل شیرخواری را بدیدن توپ (آله حرب) با آتش یا کژدم و امثال آن عرضه کنید ؛ مطلقاً هیچ یک خوفی

حس نخواهد کرد. ولی همینکه در نزدیکی او فیری بعمل آید یا اینکه وی را به انداختن از جایش بیاتین بترساند. حس خوف را در وجود او بیدار میگردانید و این خود دلیل است بر اینکه صوت ناگهان و احساس مشرف گردیدن بر سقرط هر دو منشأ خوف طبیعی را تشکیل می نماید.

گاهی از والد طفل شنیده میشود که پسرش از تاریکی می ترسد و معتقد است که این خوف او طبیعی میباشد. حال آنکه این قول ملاً بر خطا بوده و خوف تاریکی اکتسابی است.

شما طفل خود را در بسترش خوابانید. بلافاصله نور چراغ را در شب تاریک خاموش میسازید و عوض اینکه در راه و یا با هتنگی بیش نموده خارج گردید شدت و آوازشدیدگی که در وجود طفل اقبالی خوف می نماید ایسته می نماید یا اینکه از دست تان ظرفی بزمین افتاده آنرا زندهش تولید و طعل را در چار خوف میکنند یا اینکه حکایتی را اگر سخندان باشد یا در گوش زد نموده علت تر بزبان کرد بدنش را از ظلمت و تاریکی تولید می نماید. همه این ها از جمله عوارض ناگهانی و غیر طبیعی بوده بزرگترین اسبابی را که منشأ خوف در وجود اطفال است تشکیل می نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

روزی کسی برای نویسنده و این مقاله را ملاحظه نمود که «من مجبور هستم عائله ام را بفلان شهر نقل دهم تا پسر خود را به مدینه داخل نمایم» حاجت هیچ بیان ندارد که سبب نقل دادن تمام افراد يك فامیل همانا خوفی بوده است که فرزند او سر خود نمالده از والدین خویش دورتر امر ارحیات ننماید. اینطور مسائل در وجود طفل بمنزله میدان روح خوف موثر و کارگرواقع میگردد. زیرا که با وصف این حال دیگر برای او فرصت دستیاری نمیکند که با آنها د

بر نفس خوگیر گردد بنا بر آن خائف با آمده نه خودش بر وجود خود
ونه والدینش بر وجود وی دارای اطمینانی میباشد. اما برعکس اگر برای
او موقع داده شود که از مسئولیات حیوانی آسیب خویش را بگیرد البته با اعتماد
قوی بزرگ گردد بدو در حیات خود برای مفهوم خوف معنی نخواهد یافت.

تفاوتها کنید که پدرها و مادرها تا چه اندازه مرئوس خطا گردیده فرصت
مساعدی را برای یگان و هفت ازدست میدهند و بعوض اینکه اولاد و اطفال
خویش را بشجاعت و اعتماد بر نفس تربیه کنند روح خوف و ضعف اراده را
در وجود ایشان تلقیح مینمایند اگر پاری با خود محاکمه می نمودند میدانستند
که متصف ساختن اطفال بجمیع صفاتی که درمیدان حیات ضامن رستگاری آنها
میشود و از آنجمله یکی شجاعت و اقدام و اعتماد بر نفس است برایشان
میسر میباشد.

در بین بدان نقیض و ظیفه که در میدان روح نوع ثانی خوف (اعنی نوع عقلی)
را در وجود کوزگان برما حتمی و ضروری میگردد اند و وجود ندارد چه بر ما است
که قوه تمیز بین مفید و مضر را در وجود اطفال پرورش کنیم. تا اولی را
(چون صحت و تند رفتی) خواهان گردیدم از ثانی (چون مرض و ناخوشی)
دوری جویند. در حقیقت این نوع خوف وجه سلمی تکوین آن صفات السالی است
که علت مطامع او میگردد و مشخص آنرا الصبا لعین خویش قرار میدهد و سیله
آرزو هائی است که میخواهد بان نائل گردد و در راه رسیدن بان داخل
ممر که های توانا آن حیات میشود. یکی از بزرگترین واجبات والدین
همین است که در دماغ اطفال خود ابن عقیده را جایگزین گردانند که با بسط
ایشان داخل میدان مبارزات حیات گردیده و موفقیت در آن احراز نمایند.

هرگاه نوع ثالثی خوف (یعنی خوف عقلی) از حد و دمعین خود تجاوز نماید
 بنوع ثالث یعنی با تلوژی منقلب میگردد و بجز تقوی به ملکه اعتماد بر نفس
 و اینکه قرای روحی شخص با قوای معنوی دیگران - اگر بیشتر باشد
 اقلادارای تساوی گردد چیز دیگری اورا ازین پیش آمد خلاصی بخشیده نمیتواند.
 علی کمال حال خانه محیطی است که انسان جمله انواع خوف غیر از نوع اول
 را در آن اکتساب می نماید.

یونیورسیتی شیکاگو و حیات شصت هزار مجرم را در محبس ها و توقیف خانه ها
 زیر مطالعه و تدقیق گرفته و در نتیجه بصورت قطعی و غیر قابل اشتباهی ثابت
 کرده است که خانه یا منزل ایشان در سرانجام آینه او دارای مدخلیت
 تامی بوده و جود شخص در آنجا با بمیل جالب شرور و اعمال نکوهیده متصف
 و با اینکه بمبادی و اساسهای قویم پیراسته میشود.

